

جایگاه مشارکت های مردمی در طرح های توسعه شهری

نویسنده: شهرام شهاییان / کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

مقدمه

تحولات فراوانی که در نظام جهانی خصوصا در دهه اخیر، به وقوع پیوسته، بیانگر این واقعیت است که با پیشرفت وسایل ارتباطی جمعی و کارایی فزاینده و روزافزون رسانه های گروهی، سرعت و کیفیت تحولات در دنیای امروز بسیار افزایش یافته است. به اذعان بسیاری از صاحب نظران و کارشناسان، دگرگونی نظام های مختلف و تقسیم بندی های جهانی در سال های اخیر دارای مشخصات ویژه ای است که از جمله آنها می توان از نقش فزاینده مردم در صحنه اداره امور جوامع، سخن به میان آورد. بروز تحولات گسترده نظام جهانی خصوصا در سیاست بین الملل گواه خوبی است بر پذیرش بالنده نقش عمومی مردم در کلیه عرصه ها بالخصوص در عرصه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورهای مختلف.

به تبع تغییرات ایجاد شده در مناسبات سیاسی، مشارکت عمومی مردم در اداره امور شهرها بویژه در شهرهای بزرگ کاملا محسوس می گردد به این معنا که اکثر محققان و مسئولان بر این باور هستند که شرکت مردم در امور شهری نتایج بسیار مثبت و پرباری را به همراه داشته که همگام شدن با آن، عرصه فعالیتها را گسترده تر کرده است.

اهمیت و ضرورت موضوع

نقش مشارکت مردم در توسعه و رابطه متقابل دولت و مردم مشارکت کننده در توسعه یکی از عوامل بسیار مهمی است که باید در هر برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مورد توجه لازم واقع شود. با مشارکت مردم می توان آنها را برای بعهده گرفتن اجرای پروژه ها و فعالیت های عمومی بسیج نموده تمرکز گرایی در دستگاهها و سازمانهای دولتی را کاهش داد و منابع قدرت تصمیم گیری را به سطوح پایین تر منتقل نمود. با این روش امکان تصمیم گیری در سطوح محلی در مورد گزینش، طراحی و اجرای فعالیت های توسعه بیشتر امکان پذیر می شود. مشارکت را می توان

به عنوان فرآیند دادن اختیار بیشتر به سطوح پایین محلی و کسانی که در تصمیم گیریها نقش کمی دارند و یا اصولاً نقشی ندارند تلقی نمود. در واقع مشارکت بر تحکیم قدرت مردم دلالت دارد و متقابلاً باعث ایجاد تفاهات بیشتری می گردد.

به تجربه ثابت شده است که هرگاه مردم در اجرای فعالیتها و پروژه های برنامه توسعه، مشارکت داشته باشند، اهداف پروژه ها بیشتر مورد حمایت واقع شده و دسترسی به اهداف آن سهل تر می شود. مشارکت مردم نه تنها بکارگیری نهادها را در اجرای فعالیتها و پروژه ها سهل می نماید بلکه هزینه ها و خسارات را نیز کاهش داده و نگهداری و قابل استفاده بودن هر فعالیت و پروژه ای را در دوران بحرانی تضمین می نماید. لذا ضرورت و اهمیت تحقیق فوق ایجاب می نماید که مسئله مشارکت کاملاً مورد بحث و بررسی قرار گیرد زیرا پیشبرد امر مشارکت در هر طرحی بستگی به اختیاراتی دارد که به ازای پذیرفتن مسئولیت توسط مردم تعیین نشده و یا اینکه هیچگونه اختیاری در آن زمینه نداشته باشند که در آن صورت بدون تردید با شکست مواجه می شود زیرا رابطه تناسب بین مسئولین و اختیار در مشارکت باید به درستی رعایت شود. مسئولیت پذیری در امر مشارکت تنها زمانی موفق خواهد شد که به همان میزان اختیارات لازم به مشارکت کننده واگذار شود. اهمیت این مقاله در آن است که مسائل و مشکلات شهری را که دامن گیر شهرها بویژه شهرهای بزرگ است برای شهروندان و دولت روشن می سازد و مورد توجه قرار می دهد. امروزه شهرها پیوسته با مشکلات و گاه بحرانهای جدی روبرو هستند. لذا حل این مشکل جز با تکیه بر همکاری، همیاری و مشارکت شهروندان غیر ممکن است.

شریانی است که عوامل سازنده واحد فیزیکی فضاهای عمومی، بویژه زیر ساختها را به هم وصل می‌کند. با نبودن این شریان، حرکت و تحول شهرها با دشواری یا با کندی صورت می‌گیرد. لذا یکی از عوامل اساسی و مهم شکست برنامه ریزیها و طراحی‌های شهری ناآگاهی یا درک ناصحیح از نقش مردم در طراحیها، تصمیم‌گیریها و امور اجرایی بوده است.

نکته اساسی این است که برنامه ریزی و طراحی شهری، یک فرآیند بوده و اجزای آن به مثابه عواملی در یک جریان و سیستم پویا، در حال تأثیر و تأثر هستند. عدم توجه به هر عنصر یا عامل، به راحتی می‌تواند بر عوامل دیگر تأثیر گذاشته و کل طرحها، برنامه‌ها و تصمیمات و تبلور عملی آنها را با مشکل مواجه سازد.

عامل نقش مردم یکی از مهمترین آنها است که غالباً به شکل عمدی یا سهوی به دلیل دارا بودن ماهیت غیر فیزیکی از نظر طراحان و تصمیم‌گیرندگان پنهان می‌ماند و غالباً "عوامل فیزیکی است که به مثابه معلولهای عدم توجه به مشارکت مردم، نظر طراحان و مجریان را جلب می‌کند. طراحان و مجریان نیز با اتکا به امکانات مالی که در شرایط مورد بحث، اصلی‌ترین عامل تصمیم‌گیری است، راه‌حل‌های نارسا یا ناقصی ارائه می‌دهند که به تکرار مسائل کمک می‌کند. معمولاً حقیقت مسأله موقعی روشن می‌شود که جامعه، با بحران مواجه گردد، زیرا در این مواقع، معلولهای فیزیکی و مالی که چون پوششی کاذب بر اندام عدم مشارکت مسئولانه مردم در سازماندهی محیطهای مصنوع قرار دارند به کنار می‌روند. موجه آن است که به مسأله نقش مردم، آن هم به طور عریان همان اندازه بها داده شود که به مسائلی چون تعداد جمعیت، سطوح معابر، سرانه آب، فرم مجموعه و نظایر آن توجه می‌شود.

واقعیت‌های فوق در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا شواهد آن، هم در سازمان عرصه‌های مصنوع موجود ملحوظ است و هم احتمال بروز و حدوث آن در آینده توسعه شتابان شهرهای قدیم و جدید بسیار بالا بنظر می‌رسد.

به بیانی دیگر ارتباط منطقی میان سه گروه برنامه ریزان و طراحان، سازمان‌ها و ارگانهای دست‌اندرکار امور شهری (شهرداری) و شهروندان مدلی را شبیه‌سازی می‌نماید که بر اساس آن این سه گروه در فرآیند توسعه شهری دخیل خواهند بود.

به طور کلی تعامل میان سه گروه برنامه ریزان و طراحان، (به عنوان تهیه‌کنندگان طرح‌های شهری) مدیریت شهری و



مشارکت مردم و جایگاه آنان در ساماندهی مطلوب محیط‌های مصنوع شهرها

شهرسازی امروز، فرایندی است که عوامل مختلفی در آن نقش دارند. این عوامل را می‌توان به گروههای مختلف فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی و طبیعی، تقسیم و طبقه بندی کرد.

یک فرض منطقی این است که به همه این عوامل به اندازه کافی توجه شده و سازماندهی شهر برآیند پویائی از پذیرش اینها در یک فرآیند باشد. اما در عمل به رغم اکثر منتقدان مسائل شهری، نخست آن که بسیاری از فرآیندها، فرآورده هستند، دوم آنکه شناخت و تجزیه و تحلیل عوامل، به اندازه وزن و حجم واقعی آنها نیست و سوم آنکه تصمیم‌گیرندگان اجرایی - (بخصوص در کشورهای در حال رشد) برخی از راهبردهای اجرایی را وارونه پیاده می‌کنند. از میان عوامل فوق، عوامل اجتماعی، فرهنگی به این دلیل که ماهیتاً کمتر قابل مشاهده هستند یا بار مادی (فیزیکی) آنها کمتر است، بیشتر از سایر عوامل مورد بی‌توجهی تصمیم‌گیرندگان و طراحان قرار می‌گیرد. در بین اجزای عوامل اجتماعی - فرهنگی نیز عناوین متنوعی می‌توان یافت. برخی از آنها که به لحاظ کمی ملموس می‌باشند، مانند جمعیت، در هر حالتی مورد توجه قرار گرفته و نقش اصلی خویش را ایفا می‌نمایند لیکن بخش دیگر که ظاهراً تحت عنوان جایگاه و عملکرد گروههای ذینفع، وجه تمایز ویژه‌ای دارند، به دلایل مختلف از دید دست‌اندرکاران، تصمیم‌گیرندگان و طراحان و مجریان پنهان می‌مانند. کنار گذاشتن جایگاه علمی گروههای ذینفع، به این مفهوم است که نقش و جایگاه مردم چه در فرآیند تصمیم‌گیری و برنامه ریزی و چه در فرآیند طراحی نادیده گرفته شده است.

به رغم برنامه ریزان، طراحان و منتقدان مسائل شهری، جایگاه مردم در ساماندهی محیط مصنوع محل سکونت خود به مثابه

شهروندان به عنوان سه مجموعه عناصر سیستم شهری مطرح می‌باشند.

از سویی برنامه ریزان و طراحان وظیفه برنامه ریزی و طراحی اصولی و صحیح محیط‌های شهری را بر عهده می‌گیرند و از سوی دیگر شهروندان نظریات و نیازهای مشخص خود را با عمل مشارکت و همیاری در امور شهری نشان می‌دهند و در نهایت، شهرداری به عنوان سازمانی هماهنگ کننده و اجرایی، وظیفه بر طرف نمودن نیازهای شهروندان را به عهده می‌گیرد.

تعاریف نظری و عملیاتی مفاهیم

تعاریف نظری توسعه شهری

- توسعه شهری نمایانگر توزیع بهینه دو عامل یکی تعداد شهرها در یک نظام سلسله مراتبی و دیگری امکانات و تسهیلات زندگی و موقعیتهای اشتغال و شکوفایی اقتصادی - اجتماعی در مراکز شهری با توجه به مؤلفه‌های ذیل می‌باشد:
- ساختن شهر بر اساس معیارهای جهانی
- فراهم نمودن شرایطی مستمر و مطمئن برای ارتقاء سطح زندگی شهروندان در همه زمینه‌های (اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و ...) با حداکثر استفاده از توان‌های درون شهری (منطقه‌ای) و حفاظت و توسعه آنها.
- برآیند پویایی از پردازش عوامل مختلف فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی - نظامی، فرهنگی و طبیعی در یک فرآیند می‌باشد.
- ساخت و ایجاد شهر با اعمال برنامه ریزی و تدبیر و تفکر از قبل تعیین شده
- تجلی فضایی استراتژیهای تغییر و تحول ساختار فضایی سرزمین

تعریف عملی توسعه شهری

منظم نمودن نقشه ساختمانها، مجهز کردن شهر به راههای ارتباطی و برخوردار نمودن شهر از امکانات و زیر ساختهای شهری مانند: برق، گاز، بزرگراهها و خیابانها، مراکز بهداشتی و درمانی، مراکز آموزشی و فرهنگی، مراکز تفریحی و ورزشی، مراکز جابجایی مسافر و کالا، آتش نشانی و خدمات ایمنی، خطوط اتوبوسرانی و تاکسیرانی، مراکز جمع آوری زباله، سیستم فاضلاب و ... و توزیع بهینه این خدمات زیر بنایی شهری در سطح شهر با برنامه ریزی و تفکر از قبل تعیین شده به منظور ارتقاء سطح زندگی شهروندان و مرتفع

نمودن نیازهای اساسی آنها، توسعه شهری نامیده می‌شود.

تعریف نظری فعالیت‌های شهری

عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی که در جهت ایجاد، توسعه، نوسازی و بهسازی فضاهای زیستی شهری بمنظور فراهم نمودن زمینه‌ها و شرایط زندگی مناسب شهروندان توسط دست اندرکاران امور شهری و خود شهروندان انجام می‌شود.

تعریف عملی فعالیت‌های شهری

در اینجا منظور از فعالیت‌های شهری عبارتست از: خدمات اداری، خدمات شهری و عمران شهری که می‌توان آنها را در قالب مجموعه فعالیت‌های به شرح زیر مورد توجه قرار داد: خدمات اداری، درآمد و نوسازی، رفت و روب و نظافت شهر، نگهداری و بهبود محیط شهری و حفظ بهداشت عمومی، امور آتش نشانی و خدمات ایمنی و حفاظت شهر، بهبود ترافیک، حمل و نقل شهری، خدمات اجتماعی، توزیع آب آشامیدنی، برنامه ریزی توسعه شهری، ایجاد و توسعه تأسیسات فاضلاب شهری و توسعه تأسیسات آب آشامیدنی، ایجاد اماکن و فضاهای ورزشی، تفریحی، ایجاد فضاهای سبز و توسعه آنها و ایجاد تأسیسات و تسهیلات شهری.

تعریف نظری مراکز شهری توسعه یافته

مراکز شهری که امکانات موجود در آنها بر طرف کننده نیازهای مردم باشد.

تعریف عملی مراکز شهری توسعه یافته

منظور از مرکز شهری توسعه یافته در این اینجا عبارت است از مرکزی که بر اساس اصول صحیح شهرسازی ساخته شده و گسترش یافته است و مجهز به امکانات زیر بنایی شهری از قبیل شبکه‌های آب، برق، تلفن، گاز، شبکه بزرگراهها و خیابانها و معابر، مراکز بهداشتی، درمانی، آموزشی، فرهنگی، تفریحی، ورزشی، جابجایی مسافر و کالا، آتش نشانی و فوریت‌های پزشکی، شبکه‌های جمع آوری زباله، فاضلاب و ... باشد.

تعریف عملی طرح‌های عمرانی

منظور از طرح‌های عمرانی عبارتست از: احداث بزرگراهها و خیابانها، آسفالت بزرگراهها و خیابانها، مرمت مسیل‌ها، احداث کانالهای دفع آبهای سطحی، احداث کانالهای فاضلاب، احداث



پلهای روگذر و زیرگذر و پلهای عابر پیاده، پارکها، مراکز آموزشی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی و ...

تعریف نظری شهرداری

نهاد ایجاد کننده شهر و اداره کننده امور زندگی شهروندان و رفع نیازهای آنان توسط اداره کنندگان (مدیران) و فراهم کنندگان توسعه مشارکتی و پایدار شهروندان.

شهرداری بعنوان زیر مجموعه‌ای از حکومت محلی تلقی می‌شود که حوزه آن با خصوصیات زیر تعریف می‌شود:

ناحیه‌ای که بوسیله مرزهای اداری معین و مشخص شده است، ویژگی مسلط شهری دارد و معمولاً توسط یک مجموعه از مأمورین برگزیده محلی اداره می‌شود و در محدوده یک واحد حکومتی بالاتر مثل فرمانداری قرار دارد.

تعریف عملی شهرداری

شهرداری سازمانی است متشکل از عواملی که در زمینه بهبود رفت و آمد، ساختمان سازی، فضای سبز، نظافت، زیبا سازی و فرهنگ شهری انجام وظیفه می‌کنند.

تعاریف گوناگون مشارکت

مقوله مشارکت با همه قدمتی که در میان مفاهیم و ارزشهای بشری داشته و دارد و با همه ارج و قربی که بخصوص در چند سده اخیر دانشمندان و متفکران اکثر کشورها برای آن قائل شده‌اند هنوز تعریف جامعی از آن نشده است. چرا که مفهوم و گستردگی آن چون خود انسان پیچیده و همه جانبه است و از این رو ارائه تعریف دقیقی از آن بسیار دشوار و مشکل است. لیکن علیرغم این دشواری در بیان و تفکر، از جنبه کاربردی ملموس و سهل و آسان است و به سادگی می‌توان شیوه‌های استفاده عملی و موارد آنرا در علوم مختلف دریافت. لذا در اینجا به تعاریفی چند از این مقوله می‌پردازیم.

تعریف مشارکت با ملاحظه جنبه‌های مختلف انسانی

از نظر لغوی واژه (مشارکت) در اصل کلمه‌ای عربی می‌باشد (المشارکه) (مشارکت) که به معنای (شرکت کردن متقابل در امری) است. در فارسی نیز این کلمه با همین معنی (انبازی، حصه داری و بهره برداری) بکار برده شده و البته در متون ادبیات فارسی به معنای همسری و همجنسی، هم خویشی و هم شکلی نیز آمده است.

در انگلیسی نیز لفظ (Participation) در مفهومی هم ردیف کلماتی که در بالا بدانها اشاره شد بکار می‌رود.

در یک جمع بندی و بدون تفکیک اشتقاقیات مختلف، معانی ذیل از اسم مزبور (Participation) و فعل آن بدست می‌آید:

- با همدیگر عمل کردن
- به عهده گرفتن یا داشتن نقش یا سهمی از چیزی یا در امری با دیگران
- عمل یا حقیقت " (و حالت) شرکت کردن
- ارتباط برقرار کردن
- سهمی از چیزی را دادن
- بخشی از چیزی را به عهده داشتن یا شکل دادن به آن
- شرکت کردن جوهره، کیفیت یا طبیعت چیزی
- حقیقت یا موقعیت سهمیم بودن در عموم (با دیگران یا با یکدیگر)
- شراکت، مصاحبت و همراهی
- سهم بری از منفعت
- همبستگی یا ملحق شدن با دیگران در یک پیوند (بعنوان یک شریک) یا در یک مؤسسه، معمولاً مبتنی بر یک مبنای رسمی، با حقوق و وظایف تعریف شده.
- عمل متقابل اجتماعی در یک گروه، خصوصاً "مانند آنچه از طریق حضور در فعالیتهای گروهی و کمک بدان دنبال می‌شود.
- چیزی که در آن بیش از یک طرف (گروه یا شخص) ایفای نقش می‌کنند.

تعریف دیگری از مشارکت با توجه به دیدگاههای مختلف مشارکت (Participation) از دیدگاههای گوناگون مورد مطالعه و



بررسی قرار گرفته که برخی از آنها عبارتند از:

الف) پذیرش آگاهانه انجام بخشی از امور در قالب معاضدت و همکاری با یکدیگر، از سر میل و رغبت به قصد بهبود زندگی اجتماعی که سازماندهی مناسب خود را نیز دارا می‌باشد. آنچه در این تعریف باید مورد مذاقه و تأمل قرار گیرد، عبارت است از این که:

۱) امور، اعم از فعالیتهای مادی و غیر مادی مربوط به انجام یک طرح که منجر به حصول نتیجه ملموس و عینی می‌گردد. تجسم این مفهوم، غالباً به شکل نمودهای مادی و فیزیکی مورد نظر قرار می‌گیرد.

۲) میل و اراده و اختیار شرکت کنندگان در انجام یک طرح، از ضروریات مقوله مشارکت است. هرگونه اجبار و فشاری در این زمینه، هر چند ممکن است به ظاهر، نوعی مشارکت تلقی گردد ولی فاقد آثار سازنده و جهت دار در شئون اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی-سیاسی است در قالب مشارکت به مفهومی که مورد نظر این مقاله است نمی‌گنجد، حتی اگر دیگری هم فرد را به مشارکت در فعالیتی بر انگیزاند، فرد شرکت کننده نیز باید مایه‌هایی از علاقه و انگیزه به مشارکت در آن فعالیت از خود بروز دهد.

۳) بدون تردید، نوعی از مشارکت، از سر اراده و خود انگیختگی، به صورت مقطعی و موردی تحقق می‌یابد ولی از آنجا که هیچگونه نتایج مطلوب و بازتاب مثبت که هدف اصلی از مشارکت است در پی ندارد و در جهت دستیابی به نتیجه ملموس نیز سازماندهی نمی‌شود بر اساس تعریف مذکور، مشارکت مؤثر در امور تلقی نمی‌گردد.

ب) از دیدگاه نظری، تعریف ارائه شده، مشارکت را اقدامی سازمان یافته در جهت حصول دستاوردی عینی و بارز می‌انگارد که تشدید و تهییج امر مشارکت در جامعه را موجب می‌شود. بنابراین مشارکت فرآیند پیچیده و ظریفی است که به برنامه ریزی و ساماندهی و نظارت و کنترل و ارزشیابی دقیق نیاز دارد.

ج) مشارکت فرآیندی است که در آن شرکت کنندگان در تنظیم برنامه‌ها، تعیین سیاستها و خط‌مشی‌ها و تصمیمات مختلفی که دارای منشأ اثر بر تصمیم گیرندگان یا موکلین آنها باشد، همدیگر را تحت نفوذ و تأثیر قرار می‌دهند.

در واقع مشارکت عمومی یعنی دلبستگی مردم به برنامه‌های مختلف سیاسی و عمرانی و شرکت آنها و همکاری با دولت و قبول

فداکاری و محرومیت، و این امر جز با شرکت مردم و دخالت آنها در کارهای اجتماعی و برخورداری از حقوق فطری و مداخله در اداره امور عمومی جامعه بوسیله سازمانهای سالم و مترقی اجتماعی امکانپذیر نیست.

شهردار شهر خود باشید

طرح NBN در واقع یک سیستم مدیریت شهری به شکل مشارکتی است که مردم همگام با دولت در تمامی تصمیم‌گیریهایی مربوط، مشارکت می‌کنند. این طرح مدت ۱۰ سال است که در روچستر نیویورک اجرا می‌شود.

در این روش هر کس اقدام به ساماندهی محیط اطراف خود می‌کند و سعی دارد در تمامی اقدامات سازنده در زمینه بهبود وضعیت زندگی محل سکونت خود مشارکت کند. این سیاست عجیب که بازدهی بسیار خوبی تاکنون داشته است در اصطلاح همسایه‌ها محیط اطراف در همسایگی خود را ساماندهی می‌کنند (NBN) نام گرفت.

طبق این طرح ساکنان روچستر برای آینده شهر خود برنامه ریزی می‌کنند و اولویتهای بودجه بندی شهر خود را مشخص می‌کنند. در نخستین قدم، شورای شهر تصمیم گرفت تا از انرژی‌های موجود در شهر و دانش شهروندان بهره‌گیرد. زمانی که در سال ۱۹۹۴ بیل جانسون شهردار این شهر شد. یکی از اولین طرحهای ابتکاری وی NBN بود. با جلب رضایت همه شهروندان برای برنامه ریزی و انجام اقدامات عمرانی شهر به ۱۰ بخش جغرافیایی تقسیم شد. برنامه ریزان و شهروندان هر قسمت ترغیب به همکاری با یکدیگر و ارائه راهکارهای مناسب شدند که در نتیجه چندین طرح کاربردی که اجرای آن به عهده شهروندان بود، حاصل شد.

از طرفی برای کسب اطمینان از سودمند بودن طرح‌های ارائه شده یک فرصت ۱۸ ماهه برای آنها در نظر گرفته می‌شد و بعد از آن طرحها مورد بازبینی مجدد قرار می‌گرفت.

شورای شهر همچنین ایده حضور مستقیم مشارکت‌کننده را ارائه کرد که طبق آن تنها طرح‌هایی مورد قبول واقع می‌شدند که برنامه ریزان شهری بتوانند شرکت یا شرکایی که برای پشتیبانی از پروژه فرمی‌را به امضا برسانند، معرفی کنند و زمانی طرح به مرحله اجرا در می‌آمد که شهروندان، منابع سرمایه‌گذاری پروژه را که در اجرای آن بتوانند کمک کنند، شناسایی نمایند. از زمان اجرای طرح NBN حدود ۷۶ درصد از برنامه‌های ارائه شده تکمیل شده است.

البته باید به این نکته هم اشاره کرد که اجرای طرح‌های ارائه شده به طور کامل به عهده شهروندان نیست بلکه تلاش‌ها در راستای مشارکت هر چه بیشتر آنان در این زمینه و حمایت از طرح‌های ارائه شده توسط مردم است. کلیه بخش‌های NBN با یک سیستم مرکزی کامپیوتری یا به عبارتی شبکه ارتباطی شهر به یکدیگر متصل می‌شوند که به این طریق امکان دسترسی به اطلاعات شهری برای همگان میسر می‌شود. نرم افزار اطلاعات نقشه‌ای GIS، اطلاعات برنامه ریزی سه بعدی، پست الکترونیکی مطمئن و سیستم مدیریت فایل‌ها از دیگر تسهیلات و امکانات موجود است، گروهی از مردم به همراه متخصصین کار حفظ و به روز نگهداشتن شبکه را بر عهده دارند.

مؤسسه NBN که توسط شورای شهر و کالج محلی اداره می‌شود به شهروندان امکانات آموزشی در زمینه مدیریت، سازماندهی جامعه و مهارت‌های برنامه ریزی

فنی را بطور رایگان ارائه می‌دهد. شهروندان روچستر همچنین در سیاستگذاری تخصیص بودجه در زمینه‌های مختلف نیز صاحب نظر هستند که این امر ابزار قدرت مردم محسوب می‌شود.

از نخستین نتایج به دست آمده از اجرای نخستین طرح‌های NBN در سال ۱۹۹۵ درک اهمیت بالا بودن کیفیت زندگی توسط مردم بود. در واقع پس از عملی شدن نخستین سیاستگذاری‌ها که به شکل مشارکتی انجام شد، شهروندان روچستر نسبت به حفظ محیط زندگی خود حساس شدند به طوری که همه سعی می‌کردند

به نوعی در رعایت بهداشت پیشگیری از وقوع جرایم و هر آنچه که لازمه زندگی آرام و سالم در یک محیط شهری است نقش داشته باشند.

در نتیجه گروه‌های حفظ محیط زیست، پلیس (نظارت بر اجرای قانون و برخورد با متخلفین) و نظارتی با مشارکت مردم تشکیل شد.

با سهیم شدن مردم در برنامه ریزهای اصولی، نگرانی‌هایی در مورد منطقه گرایی و چگونگی تقسیم بخش‌های مختلف بوجود آمد که برای حل این مشکل ۱۲۰ جلسه همگانی ظرف سه سال برگزار شد. البته علت این امر این بود که طبقه بندی‌های منطقه‌ای در آمریکا بر اساس آن چه طبقه بندی اقلیدسی نام گرفته است انجام می‌شود در نتیجه توسعه در هر یک از مناطق به یک کاربری خاص نظیر تجاری یا صنعتی محدود می‌شود که البته طرح‌های NBN، موجب ساماندهی نقص‌های موجود در این طبقه بندی‌ها شد. NBN امکان سرمایه‌گذاریهای خصوصی را برای پیشبرد

اهداف توسعه شهری فراهم می‌کند که همین امر منجر به ساخت بسیاری از مراکز رفاهی و تفریحی توسط مردم شده است. دانشگاه‌های روچستر در هر دوره حدود ۷۰/۰۰۰ دانشجو به طور تمام وقت پذیرش می‌نمایند و باید گفت که بیشتر این دانشگاهها در توسعه اقتصادی شهر و اجرای طرح‌های NBN نقش بسیار مهمی دارند

ظرف ده سال گذشته NBN در ارتباط مجدد مردم و دولت نقش مهمی ایفا کرده است علاوه بر این، بیانگر این مطلب بوده است که دولت محلی هم

می‌تواند در راستای اهداف مردم عمل کند به نوعی که شهروندان کنترل امور زندگی خود را در اختیار داشته باشند و بتوانند در کلیه برنامه‌ها مشارکت کنند.

با بازنشستگی بیل جانسون، شهردار شهر روچستر و مبتکر طرح NBN در اول ژانویه ۲۰۰۶ نیروهای جدید نیز مصمم هستند با حفظ همان اصول در راستای اهداف NBN با مشارکت مردم قدم بردارند.



راهها و زمینه‌های ایجاد و جلب مشارکت مردم در امور شهری

قبل از هر چیز در اینجا لازم است این نکته تا حدودی تشریح شود که زمینه‌های مشارکت را باید طی تبادل نظر با اقشار و گروه‌های مختلف مردم بدست آورد. جلب مشارکت مردم در مسائل شهری نباید تنها محدود به مواردی باشد که سازمانهای دست اندرکار و درگیر امور شهری از جمله شهرداری از پیشبرد اهداف خود در آن زمینه ناموفق می‌باشند، بلکه شخصا باید تمایل مردم را در آن زمینه خاص ملاک قرار داد. در غیر این صورت تأکید و اصرار یک جانبه در جلب مشارکت مردم در زمینه‌هایی که به آن تمایل ندارند و برایشان هیچ جاذبه‌ای ندارد همواره طرح را با مشکل در پیشبرد آن و عدم موفقیت همراه می‌سازد.

لذا مشارکت در هر زمینه‌ای باید با اتکاء بر انگیزه‌های مردم اعم از: اجتماعی و اقتصادی و نیز جاذبه‌هایی باشد که مشارکت در آن زمینه خاص برای مردم و یا اقشار و گروه‌های خاص ایجاد می‌کند.

یکی از دیدگاههایی که در مورد بشر وجود دارد دیدگاه تأمین نیازهای اساسی انسان است. برخی از دیدگاهها حاکی بر آن است که دولت تأمین‌کننده کلیه احتیاجات و نیازهای مردم است و مردم یک جامعه، دائم در انتظار اقدامات دولتی باشند و به دولت بعنوان یک نیروی فعال، مبتکر، تصمیم‌گیرنده و تعیین‌کننده بنگرند و نقش مردم را فقط در گرفتن خدمات بدانند.

لذا یکی از مشخصه‌های دیدگاه مورد بحث، ایجاد تغییر در این طرز تفکر است تا آنجا که نقش مردم کاملاً عوض شود و از جایگاه‌گیرنده خدمات، به مرتبه خلاقیت و ابتکار و تصمیم‌گیری صعود می‌کنند. در این جایگاه نه تنها تصمیم می‌گیرند، بلکه هدف هم تعیین می‌کنند و برای طرحهای توسعه‌ای، سرمایه‌گذاری بعمل می‌آورند و خود نظارت و مسئولیتی تام دارند. از دیگر مشخصات این دیدگاه و استراتژی اصلی در اجرای آن، این است که باید طرحهایی که در مسیر تأمین نیازهای اساسی تعیین و اجرا می‌شوند، در بر دارنده درآمد بیشتری برای مردم باشند. وقتی گفته می‌شود کارها باید به دست مردم سپرده شود هدف تحصیل درآمدهای بیشتر است. حال ممکن است در اجرای این برنامه و این تفویض اختیار، به مردم بگوئید ما توانایی مالی کافی نداریم که در این ارتباط می‌توان از طریق راههای گوناگون در جهت حل این مشکل اقدام نمود.

نکته مهم در این نوع همکاری تنها منحصر به تولید و درآمد حاصله از آن و اختصاص آن درآمد به امور عام المنفعه و اجتماعی نمی‌شود. بلکه مهمتر از آن که بسیار هم دلپذیر و

ستودنی است. این است که اجرای این طرحها در مجموع و در گستره وسیع این فعالیتها باعث می‌شود که باری عظیم از دوش دولت برداشته شود و نتیجتاً دولت فرصت پیدا می‌کند که به مسائلی بپردازد که از عهده مردم بر نمی‌آید. وقتی سرمایه‌گذارهای کوچکتر را مردم به عهده گرفتند، دولت می‌تواند با فراغ بال کافی به سایر امور بپردازد.

آنچه که در این میان حائز اهمیت است، از آنجایی که تمامی این امور به وسیله مردم صورت می‌گیرد، بسیاری از پتانسیلهای نهفته مربوط به مدیریت در میان مردم بروز می‌کند و ایده مشارکت مردم تحقق پیدا می‌کند. ابزارهای لازم جهت اجرای اینگونه طرحها، حمایت دولت و عدم تمرکز است که بسیار مهم هستند. از طرف دیگر شالوده‌های اقتصادی مشارکت در توسعه شهری ناظر بر جلب سرمایه‌های کوچک و متوسط در قطب‌های اقتصادی شهری است. مدیریت شهری باید در هر کدام از بخشهای اقتصادی بیشترین نقش را به شهروندان واگذارد و خود تنها به نقش نظارتی، برنامه ریزی و کنترلی بسنده کند. همچنین می‌توان بر اساس اعتقاد هدایت امور توسط مردم، نظام و تشکیلات مناسبی را جهت انجام امور شهری ایجاد نمود. حضور مردم در صحنه‌های اجرایی به آنها دید وسیعتری می‌بخشد. وقتی مردم در جریان امور قرار گیرند و از نزدیک با مشکلات دست و پنجه نرم کنند طبعاً آماده هر گونه یاری و مساعدت خواهند شد. بنابراین نباید از این امر مهم غافل شد. لذا دستیابی به چنین هدفی نیازمند مدیریتی است که کلیه امور اجرایی شهری را برنامه ریزی و هدایت نماید.

یکی از راههای اساسی در زمینه فراهم نمودن زمینه‌های مشارکت در مردم این است که مردم خود نیازهای خود را مطرح نمایند. لذا باید کلیه طرحها و پروژه‌های شهری در یک عملکرد عمومی در معرض دید عموم قرار گیرد و نظر مردم را جویا شد. این نظرسنجی‌ها سبب تهیه بازخوردهای لازم برای اصلاح طرحها و پروژه‌های شهری خواهد شد. از طرف دیگر سعی مدیریت شهری باید بر این اصل استوار باشد که خود مردم در نگهداری فضاهای عمومی ساخته شده دخیل باشند. برای مثال می‌توان به پروژه احداث یک پارک، یک مکان ورزشی، یک مرکز فرهنگی و ... اشاره نمود. در اینجا نقش دست اندرکاران امور شهری این است که مبنای لازم را به مردم آموزش دهند زیرا مشارکت مردم تقریباً در تمامی طرحها و پروژه‌ها نقش اساسی دارد. از طرف دیگر اثر بخشی هر فعالیتی در چارچوب طرحها و پروژه‌ها باید قبل و پس از شروع برای مردم روشن گردد.

در انجام هر نوع فعالیتی در چهارچوب شهر، در وهله اول باید شهر با تمسک به تقویت ((حس تعلق مردم به شهر)) و بهره برداری از آن در قالب ((حس مسئولیت))، مشوق مشارکت مردم شود و در مرحله دوم، اصل بر این است که شهر، زمینه‌ها و ابزارهای اجتماعی و حقوقی را به گونه‌ای فراهم آورد تا مردم به راحتی بتوانند در فعالیتهای عمومی و اداره امور شهر فعالیت کنند. به عبارت بهتر، سازمانها و تشکیلات عمومی شهر باید ((پذیرنده)) مردم در اداره امور شهر باشند و مجاری آن از پیش مشخص شده باشد. در مرحله سوم، مردم باید اطمینان یابند که مشارکت آنها صرفاً جنبه نمایشی نداشته و می‌توانند در اداره امور مؤثر واقع شوند.

بهترین روش مشارکت مردم بوجود آوردن زمینه‌ها و شرایطی است که در آن زمینه فعالیت هر یک از گروههای مختلف سنی و جنسی از پیش معین شده باشد، تا مثلاً "گروه سنی نوجوانان بتوانند در چارچوب گروه خود یک نوع فعالیت اجتماعی متناسب با وضع خود را بر عهده بگیرند (برای مثال طرح مشارکتی دانش آموزی شهردار مدرسه) به این ترتیب روابط اجتماعی همگون آنها می‌تواند بر انگیزنده و تقویت کننده فعالیتهای این گروه باشد. روشهای مشارکت خود به خود ممکن است از راه ایجاد هسته‌های اولیه، ارتقاء فرهنگ و بینش عمومی نسبت به مسائل جامعه و یا روشهای دیگر ایجاد و یا گسترش یابند.

یک شهروند باید همان احساسی را که نسبت به خانه اش و نظافت و نگهداری آن دارد به شهر و محل زندگی خودش هم داشته باشد. زیرا خانه اش و تمام دلبستگی‌هایش در آنجاست، اگر شهر آسیب ببیند مسلماً "خانه او و خود او هم در امان نخواهد ماند. بنابراین، این طرز تفکر باید در مردم ما بوجود بیاید و پرورش داده شود اما چگونه؟

■ فضاهای عمومی شهر در اختیار مردم و استفاده کنندگان قرار گیرد

■ با ایجاد مسئولیت در مردم انگیزه ایجاد گردد و به آنها قدرت و توانایی لازم برای نگهداری فضاهای عمومی داده شود.

■ در شهرها، حدود و ثغور فضاها معلوم گردد، یعنی اینکه دانسته شود که هر فضایی به چه کسی تعلق دارد و چه کسی باید آن را نگهداری کند.

از طرف دیگر یکی از نتایج احساس تعلق به شهر، رضایت از شهر است. فرآیند ایجاد حس تعلق به شهر و تبدیل آن به حس مسئولیت از ((حس رضایت)) از شهر و در مرحله بعد از ((حس افتخار)) به شهر ناشی می‌شود. از سوی دیگر تقویت هویت‌های

کالبدی، اجتماعی و فرهنگی شهر و دست آخر از وجود روابط اجتماعی مستحکم ناشی می‌شود.

در این میان مواردی وجود دارد که می‌تواند به حس تعلق و یا تقویت آن منجر شود که در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- اشتغال موجب وابستگی ارتباط مستمر فرد به شهر می‌شود که به همراه خشنودی حاصل از تأمین درآمد می‌تواند احساس تعلق را تقویت کند.

۲- عدم نیاز به مراجعه به سایر شهرها برای تأمین خدمات و یا تحصیلات می‌تواند احساس رضایت و در نتیجه احساس تعلق را افزایش دهد. در واقع، تکافوی امکانات به امکان ارتباط و وابستگی بیشتر و در نتیجه به احساس تعلق بیشتری منجر می‌شود.

۳- حفظ هویت‌های کالبدی و اجتماعی موجبات حفظ و تقویت حس تعلق می‌شود.

۴- تقویت روابط اجتماعی از طریق بهسازی فضاهای شهری حس تعلق را به وجود آورد.

در هر حال توجه خاص به نقش مردم در امور شهری پیوسته باید مورد نظر دست اندرکاران امور شهری باشد. باید کار مردم در اداره شهرها در اختیار خود مردم باشد و اراده آنها در تأمین نیازمندیهایشان نقش جدی داشته باشد به طوری که خود مردم مجریان اصلی ضوابط بوجود آمده شوند. لذا باید آموزشهای لازم را ببینند و بر اساس آن آموزشها، ضابطه مند و عملاً وارد امور شوند. آموزش به مردم در تمام زمینه‌ها از اولویت خاصی برخوردار است. آشنا کردن مردم به خودیاری، یکی از مهمترین اصول شهری است که باید از طریق آموزش و فعالیتهای فرهنگی در مردم ایجاد شود.

در اینجا لازم است پیشنهادهای چند ارائه گردد تا شاید از این رهگذر نقش مشارکت‌های مردمی در مدیریت طرحهای توسعه شهری آشکارتر گردد و موجبات رشد و توسعه جامعه شهری فراهم گردد:

■ شناساندن شهر به شهروندان و مسئولیت‌هایی که در قبال شهر خویش دارند.

■ شناساندن سازمانهای عهده دار امور شهری به ویژه شهرداریها به شهروندان.

■ آشنا نمودن شهروندان با مفهوم شهروند، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های آنان.

■ بهبود بخشیدن به رابطه بین مسئولین سازمانهای عهده دار امور

شهری و مردم و نزدیک شدن آنان به یکدیگر و آشنا نمودن مردم با محدودیتها و مشکلات سازمانهای دولتی و در نتیجه مسئولیت پذیر نمودن مردم برای تأمین نیازهای اساسی خود در محیطهای شهری.

■ تقویت رابطه سالم بین مردم و ایجاد صمیمیت بیشتر بین آنان از طریق کارها و فعالیتهای دسته جمعی؛ زیرا یکی از اهداف مشارکت در جامعه خصوصاً در جامعه شهری، ایجاد تفاهم و دوستی متقابل بین مردم است.

■ ایجاد انگیزه لازم در میان مردم بالاخص از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و . . . تکامل روحی و رشد معنوی افراد و یافتن جایگاه مناسب آنان و پیوستگی معنوی و باطنی آنان به امور.

■ کاهش بار سهم و مسئولیت دولت در تأمین هزینه و نیروی انسانی برای انجام خدمات، مشارکت مردم و مسئولیت پذیری آنان، از طرفی هزینه‌های دولت را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر سبب افزایش بهره‌وری می‌گردد.

■ شخصیت بخشیدن به مردم و تأکید بر اهمیت آنان در جامعه و علاقمند نمودن آنان به محیط زندگی شهری.

■ تقویت حس تعلق، زیرا زمینه مشارکت خود به خود مردم زمانی فراهم می‌شود که مجموعه اجتماعی و کالبدی شهر به گونه‌ای برای مردم ((حس تعلق)) بوجود آورد تا در مرحله تکامل یافته‌تر بتوان آنرا به ((حس مسئولیت)) تبدیل کرده و از آن به نفع جامعه بهره برداری کرد.

■ بسیج و تجهیز نیروی مردم در کارهای دسته جمعی از جمله در زمینه نظافت معابر با کمک مأموران شهرداری، درختکاری و ایجاد فضای سبز، تزئین و زیبائی محلهای تجمع، فراهم کردن زمینهای بازی و ورزش، ایجاد باشگاهها و تأسیسات تفریحی و رفاهی، کارهای عمومی و استفاده از مشارکت داوطلبانه آنان.

■ استفاده از وجود مردم جهت نظارت بر قیمتهای ارزاق عمومی، بهداشت محیط کار فروشندگان مواد خوراکی و نظارت بر عرضه و تقاضا.

■ فراهم آوردن زمینه‌های تشویق و ارشاد مردم به رعایت بهداشت محیط زیست، نظافت نهرها و جویها، نظافت جلوی مغازه‌ها و منازل، صرفه جویی در مصرف آب و برق و . . . و بسیاری مسائل عمومی دیگر که باید از میان مردم علاقمند به انجام آنها بجوشد.

■ یکی از راههای جلب مشارکت می‌تواند تشکیل سمینارهای محلی در هر یک از نواحی شهری و برای شناخت مشکلات و میزان

علاقمندی مردم در حل این مشکلات باشند. این سمینارها می‌تواند به صورت مقطعی و نیز با مشارکت مردم و به صورتی بسیار ساده برگزار شود. برنامه این سمینارها و مبنای مورد نظر برای مشارکت می‌تواند در بولتنها اعلام شود و سپس نتایج سمینارهای محلی نیز در بولتن منتشر شود.

■ تقویت شوراییاری محلات با انجام برنامه ریزی مجدد برای این تشکل مردمی به مانند حضور نیروهای متخصص در کنار نیروهای معتمد محله .

■ با توجه به اینکه شهرداری عمده‌ترین نقش را در مشارکت شهروندان بر عهده دارد لذا بهتر است همواره برخی از مدیران شهری را از میان کسانی برگزیند که در امور مشارکتهای مردمی نقش ممتازی داشته‌اند و روی این امر به طور گسترده تبلیغ نماید زیرا پیگیری این امر نتایج درخشانی را به همراه خواهد داشت.

■ فراهم آوردن تدریجی زمینه‌های واقعی و عملی مشارکت شهروندان در تهیه و اجرای طرحهای شهری

■ از آنجا که شالوده‌های اقتصادی مشارکت در توسعه شهری ناظر بر جلب سرمایه‌های کوچک و متوسط در قطب‌های اقتصادی شهری است. لذا مدیریت شهری باید در هر کدام از بخشهای اقتصادی بیشترین نقش را به شهروندان واگذارد و خود تنها به نقش نظارتی، برنامه ریزی و کنترلی بسنده کند. ■

منابع:

- ۱) بحرینی، حسین (فرآیند طراحی شهری)، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی، ۱۳۶۵.
- ۲) احسن، کاظم و موسوی نژاد، ابراهیم (تحلیل مقدماتی از طرح مقوله مشارکت)، سازمان برنامه و بودجه، دفتر هماهنگی امور مناطق، ۱۳۶۵
- ۳) حاج سید جوادی، علی اصغر: (ارزیابی ارزشها)، تهران: توس، ۱۳۴۹.
- ۴) افخمی، غلامرضا: (مفاهیم مشارکت) کمیته مشارکت در امور رفاهی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵.
- ۵) بحرینی، حسین (شهرسازی در شهر سالم)، کنفرانس بین المللی توسعه شهری و شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی، اصفهان، ۱۳۷۲.
- ۶) احمدی، حسن: (نگرشی بر الگوهای برنامه ریزی شهری در جهان، بخش سوم: آمریکا)، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور، نشریه شماره ۴۹، ۱۳۷۳.